

شبکه‌های عصبی و یادگیری عمیق
دکتر صفابخش



دانشگاه صنعتی امیرکبیر
(پلی تکنیک تهران)
دانشکده مهندسی کامپیوتر

رضا آدینه پور ۴۰۲۱۳۱۰۵۵

تمرین سوم
شبکه خودسازمانده (SOM)

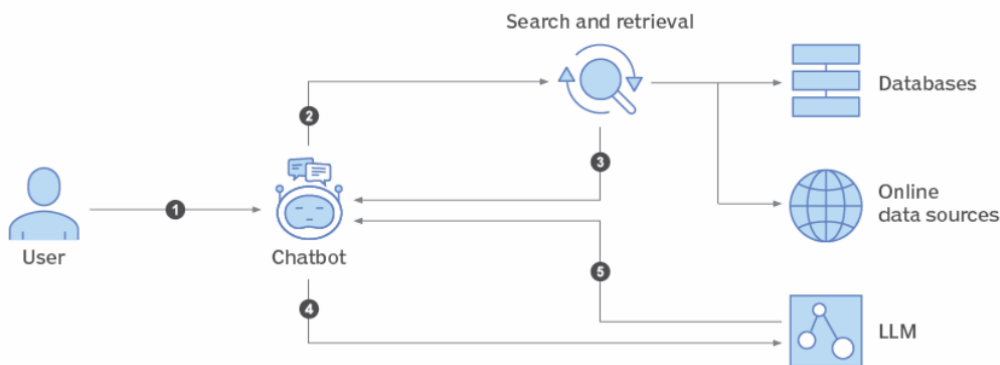
۳ اردیبهشت ۱۴۰۳



سوال اول - عملی نظری

برای آموزش مدل‌های زبانی بزرگ (Large Language Model) که حاوی میلیون‌ها و میلیارد‌ها پارامتر هستند، از حجم قابل توجهی داده استفاده می‌شود. اما در تمامی این مدل‌ها یک تاریخ قطع آموزش وجود دارد که مدل زبانی هیچ اطلاعاتی در خصوص داده‌های تولید شده پس از این زمان ندارد. به عنوان مثال، تاریخ قطع آموزش مدل GPT-3.5-turbo-instruction سپتامبر ۲۰۲۱ است و از همین رو این مدل ممکن است به سوالات مربوط به رویدادهای سال ۲۰۲۲، ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ پاسخ صحیح ندهد. چنین داده‌هایی که بعد از تاریخ قطع آموزش تولید شده‌اند و یا بخشی از داده‌ی آموزشی اولیه‌ی مدل زبانی نیستند را داده‌ی خارجی می‌گوییم. تکنیک تولید تقویت شده با بازیابی (RAG) رویکردی است که با استخراج داده‌ی خارجی متناسب با فرمان، دریافت شده و افزودن آن به عنوان ورودی به مدل زبانی تلاش می‌کند که فرمان ورودی را تقویت کرده و به مدل زبانی کمک می‌کند تا جواب مرتبط و متناسبی بسازد. به عنوان مثال در پاسخ به یک فرمان متنی مانند «چه کسی شرکت توییتر را در سال ۲۰۲۲ خرید؟» تمامی داده‌های خارجی متناسب با این فرمان را استخراج می‌کند و آن‌ها را به عنوان ورودی به مدل زبانی GPT-3.5-turbo-instruct می‌دهد تا مدل زبانی بتواند با دانش دریافت شده پاسخ متناسبی تولید کند. این رویکرد نیاز به آموزش مجدد و با بازتنظیم (Fine tune) مدل زبانی را برطرف می‌سازد. در این پروژه می‌خواهیم با استفاده از شبکه‌های خودسازمان‌ده این تکنیک را پیاده‌سازی کنیم.

How an LLM using RAG works



شکل ۱: فرآیند کلی RAG در یک مدل زبانی بزرگ

وظیفه اصلی RAG جست‌وجو معنایی (Semantic search) در پایگاه داده‌های اطلاعاتی و بازیابی اطلاعات خارجی دارای تناسب محتوایی با فرمان داده‌شده به یک مدل زبانی است. برای تسهیل جست‌وجوی معنایی، ابتدا داده‌های خارجی استخراج شده به بازنمایی‌های عددی یا برداری تبدیل می‌شوند که به این بازنمایی، تعبیه‌ی متن (Text embedding) می‌گوییم. در زمان بازیابی نیز ابتدا فرمان متنی به بازنمایی برداری تبدیل می‌شود و سپس نزدیک‌ترین بردارهای داده‌ی خارجی متناسب با آن استخراج می‌شود. شکل «۱» دیگرام کلی این فرآیند را نشان می‌دهد. چالش اصلی این رویکرد این است که جست‌وجوی معنایی ذکر شده به دلیل نیازمندی به محاسبه‌ی فاصله‌ی بردار فرمان با حجم عظیمی از بردارهای داده‌ی خارجی، به منابع پردازشی و

محاسباتی زیاد و زمان قابل توجهی نیاز دارد. بنابر این پیدا کردن رویکردی که جست‌وجوی معنایی را به‌صورت کارا انجام دهد بسیار حائز اهمیت است. برای افزایش کارایی جست‌وجو معنایی، یک رویکرد رایج این است که بردارهای داده‌های خارجی را خوشه‌بندی کنیم و در زمان جست‌وجو نیز ابتدا خوشه مشابه با بردار فرمان ورودی را پیدا می‌کنیم و سپس شباهت بردارهای داده‌های خارجی متعلق به آن خوشه با بردار فرمان را محاسبه می‌کنیم و اگر شباهت بردارها از یک آستانه بیشتر باشد، آنها را به‌عنوان اطلاعات مرتبط در نظر می‌گیریم.

۱. در این پروژه قصد داریم برای خوشه‌بندی داده‌های خارجی از شبکه خودسازمان‌ده استفاده کنیم. بررسی کنید که در این شبکه‌ها نسبت به سایر روش‌های خوشه‌بندی که در یادگیری ماشین به‌کار گرفته می‌شود، چه مزایا و معایبی دارد؟ به نظر شما، چرا استفاده از شبکه خودسازمان‌ده به صورت با نظارت صورت نمی‌گیرد؟ فرآیند یادگیری این مدل‌ها را توضیح دهید.

پاسخ

قبل از بررسی مزایا و معایب شبکه SOM نیاز است که یک سری پیش‌نیازها را توضیح دهیم. پیش از هر چیزی ابتدا می‌بایست انواع الگوریتم‌های یادگیری ماشین و دلیل استفاده از آنها را توضیح دهیم. الگوریتم‌های یادگیری ماشین به ۳ دسته مختلف تقسیم می‌شوند:

(آ) یادگیری با نظارت (Supervised Learning)

(ب) یادگیری نیمه نظارتی (Semi-supervised Learning)

(ج) یادگیری بدون نظارت (Unsupervised Learning)

در یادگیری با نظارت، داده و لیبل‌های متناظر با آنها را داریم. در یادگیری نیمه نظارتی، صرفاً بخشی از داده‌ها لیبل دارند و لیبل بقیه داده‌ها مشخص نیست. دسته آخر که مورد بحث ماست، یادگیری بدون نظارت است که داده‌های موجود، لیبل ندارند و به ازای داده‌های مختلف، خروجی مناسب را نمی‌دانیم و از الگوهای پنهان در داده‌ها اطلاعی نداریم. در این صورت است که به سمت الگوریتم‌های بدون نظارت می‌آیم تا به الگوریتم این اجازه را بدهیم که هرچه را می‌تواند یاد بگیرد و اطلاعات پنهان در داده‌ها را مشخص کند. الگوریتم‌های خوشه‌بندی در این دسته قرار می‌گیرند و دلیل قرارگیری در این دسته آن است که ما هیچ اطلاعاتی در مورد داده‌های ورودی نداریم و به دنبال ایجاد وابستگی میان آنها هستیم. الگوریتم‌های خوشه‌بندی این امکان را برای ما فراهم می‌سازد تا داده‌های شبیه به هم را در یک دسته قرار دهد. در این باره در صفحه ۱۴۱ [۱] گفته شده است:

« تکنیک‌های خوشه‌بندی زمانی اعمال می‌شوند که کلاسی برای پیش‌بینی وجود نداشته باشد، بلکه زمانی که نمونه‌ها باید به گروه‌های طبیعی تقسیم شوند، اعمال می‌شوند. »

پس اگر با داده‌هایی مواجه بودیم که اطلاعاتی در مورد آنها نمی‌دانیم، خوشه‌یابی بهترین روش برای درک وابستگی‌ها میان داده‌هاست. الگوریتم‌های خوشه‌یابی را می‌توان به‌صورت زیر دسته‌بندی کرد:

- (a) Density-based
- (b) Distribution-based
- (c) Centroid-based
- (d) Hierarchical-based

در الگوریتم‌های خوشه‌یابی مبتنی بر چگالی، داده‌ها بر اساس تراکم و غلظت داده‌ها در نقاط مختلف تقسیم‌بندی می‌شود.

پاسخ

در خوشه‌یابی توزیع شده، اساس خوشه‌یابی به صورت احتمالی است. یعنی برای تمام نقاط یک احتمال تعلق به یک خوشه خاص در نظر گرفته می‌شود که با دور شدن داده از مرکز آن خوشه، احتمال تعلق داده به خوشه مربوطه کاهش پیدا می‌کند.

پرباربردترین و سریع‌ترین نوع خوشه‌یابی، خوشه‌یابی Centroid است. این الگوریتم نقطه‌ها را بر اساس چندین مرکز در داده‌ها جدا می‌کند و هر نقطه بر اساس مجذور فاصله‌اش تا مرکز داده به یک خوشه اختصاص می‌یابد. استفاده از خوشه‌بندی سلسله‌مراتبی محدود تر از سایر روش‌هاست. بدین صورت است که برای داده‌هایی که ذاتاً به صورت سلسله‌مراتبی هستند استفاده می‌شود. مانند داده‌های مربوط به یک پایگاه داده. الگوریتم‌های مختلفی برای خوشه‌یابی وجود دارد که می‌توان چندتا از آنها را به صورت زیر نام برد:

- (a) SOM
- (b) K-means
- (c) DBSCAN
- (d) Gaussian Mixture
- (e) BIRCH
- (f) Affinity Propagation
- (g) Mean-Shift
- (h) OPTICS

در این سوال به بررسی دو مورد از مهم‌ترین الگوریتم‌ها یعنی SOM و K-means می‌پردازیم.

(آ) **K-Means**: الگوریتم K-Means یک الگوریتم بدون نظارت، مبتنی بر مرکز و تکراری (iterative) است که داده‌های ورودی را دریافت می‌کند و آنها را به K دسته تقسیم می‌کند. مقدار K می‌بایست از قبل مشخص باشد. هدف در الگوریتم K-Means به حداقل رساندن مجموع فواصل بین دو نقطه داده شده و خوشه مربوط به آنهاست و تا زمانی که مینیمم فاصله را پیدا نکند، الگوریتم متوقف نمی‌شود. ذکر این نکته الزامی است که در این الگوریتم، آموزشی‌ای صورت نمی‌گیرد و صرفاً یک کار تکراری چندین بار تکرار می‌شود تا زمانی که بهینه‌ترین حالت پیدا شود. شکل «۲» نحوه عملکرد الگوریتم K-Means را نشان می‌دهد.

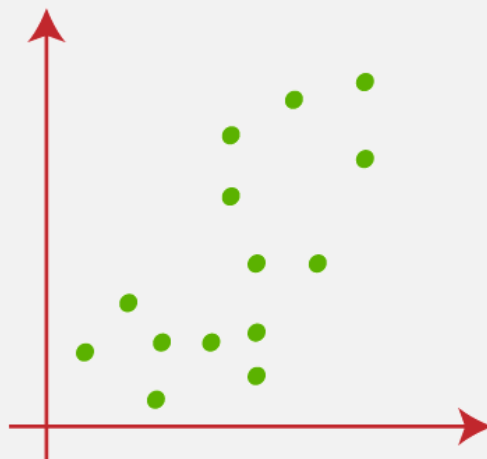


شکل ۲: ساختار الگوریتم K-Means

پاسخ

مراحل انجام الگوریتم K-Means به صورت زیر است:

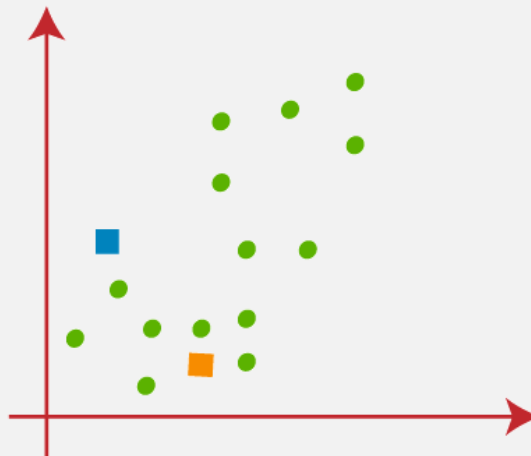
- (آ) مرحله ۱: انتخاب مقدار K بر اساس تعداد خوشه‌ها. اگر تعداد خوشه‌ها را نمی‌دانیم، عددی بزرگ را انتخاب می‌کنیم.
- (ب) مرحله ۲: انتخاب K نقطه به صورت رندم و تصادفی.
- (ج) مرحله ۳: قرار دادن هر نقطه در نزدیک‌ترین مرکز آن. (مرکز K خوشه‌ای که از قبل تعیین شده است).
- (د) مرحله ۴: واریانس را حساب کرده و مرکز جدید را برحسب واریانس انتخاب کرده
- (ه) مرحله ۵: تکرار مرحله ۳. یعنی قرار دادن هر نقطه در مرکز جدید تعیین شده
- (و) مرحله ۶: اگر هر تخصیص مجددی رخ داد به مرحله ۴ باید برویم در غیر این صورت به مرحله ۷
- (ز) مرحله ۷: پایان الگوریتم
- برای درک بهتر، در ادامه با رسم شکل مراحل بالا را توضیح خواهیم داد. فرض شود که داده‌های ورودی ما به صورت زیر باشد:



شکل ۳: داده‌های ورودی

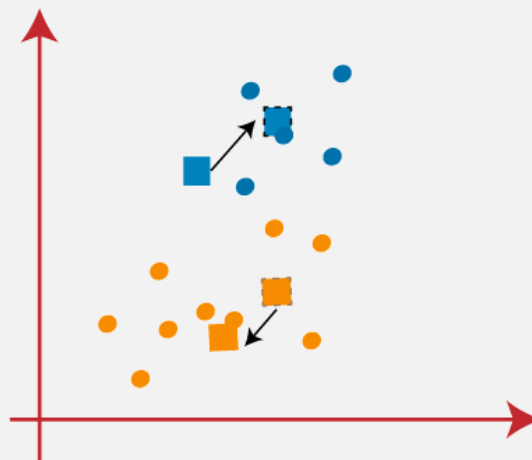
در اینجا چون تعداد خوشه‌ها برای ما مشخص است، مقدار K را ۲ فرض می‌کنیم. و دو نقطه به صورت رندم در صفحه به عنوان نقاط شروع الگوریتم انتخاب می‌کنیم. شکل «۴»

پاسخ



شکل ۴: نقاط ابتدایی الگوریتم

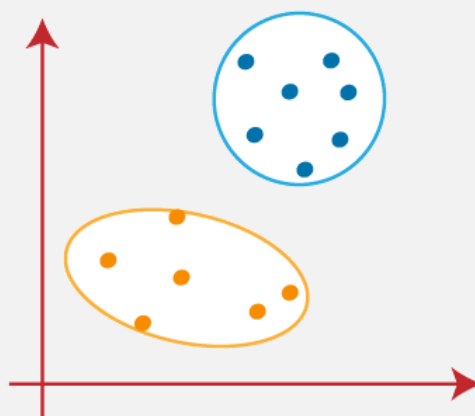
اکنون هر نقطه را به نزدیک‌ترین مرکز اختصاص می‌دهیم. این عملیات با محاسبه فاصله بین نقطه‌ها انجام می‌شود. سپس به مرحله آپدیت مرکز می‌رویم و برحسب واریانس محاسبه کرده، مرکز نقاط را آپدیت می‌کنیم. شکل «۵»



شکل ۵: آپدیت مراکز

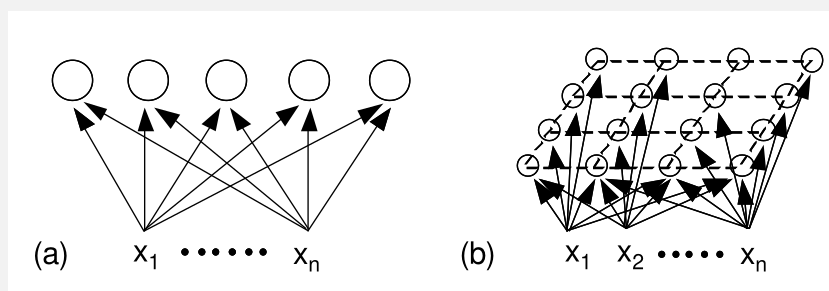
این فرآیند را آنقدر ادامه می‌دهیم تا مینیمم ترین فاصله نقاط از مراکز به دست آید و داده‌ها خوشه‌بندی شود. شکل «۶»

پاسخ



شکل ۶: داده‌های خوشه‌بندی شده

(آ) SOM: SOM بر خلاف K-Means یک شبکه عصبی است که بر اساس یادگیری بدون نظارت کار می‌کند. شبکه SOM کاربردهای مختلفی دارد. کاربرد اصلی شبکه SOM نگاشت داده‌های با بعد بالا به داده‌هایی با بعد پایین است. اما از این شبکه برای خوشه‌یابی نیز استفاده می‌شود شبکه SOM تنها از دو لایه تشکیل می‌شود. (لایه ورودی + خروجی) که لایه خروجی می‌تواند به صورت پشت سر هم و یا در یک ساختار شبکه‌ای قرار گیرند. شکل «۷»



شکل ۷: ساختار شبکه SOM

در فرآیند آموزش وزن‌های متصل از ورودی به خروجی آموزش داده می‌شوند و در نهایت، هر نورون نماینده یک دسته (خوشه) از داده‌های ورودی است. الگوریتم یادگیری در SOM، رقابتی (Competitive) است. یعنی نورون‌های خروجی با هم بر سر نماینده شدن برای داده‌های ورودی رقابت می‌کنند و نورون برنده وزنش به نسبت نورون بازنده بیشتر اصلاح می‌شود. در SOM نیز همانند K-Means اگر تعداد خوشه‌ها را از قبل نمی‌دانستیم می‌بایست عدد بزرگی را برای آن در نظر بگیریم. [۲]

الگوریتم رقابتی در SOM را می‌توان به دو صورت انجام داد.

i. ارسال سیگنال به نورون‌های دیگر

ii. محاسبه فاصله تا ورودی

معمولاً در تمامی شبکه‌های SOM متداول است که از روش دوم استفاده شود اما در ادامه توضیح هر دو روش را خواهیم داد.

برای روش اول داریم:

*

References

- [1] Data Mining: Practical Machine Learning Tools and Techniques, 2016.
- [2] Neural Networks for Applied Sciences and Engineering, 2006 by Taylor & Francis Group, LLC

۲. مجموعه داده ارائه شده در این پروژه شامل رویدادهای سه سال متوالی از ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۴ است که از سایت ویکی‌پدیا جمع‌آوری شده است. داده‌ی مربوطه را بارگزاری کنید و پیش‌پردازش‌های متنی شامل حذف کلمات ایست (Stop word)، واحدسازی کلمات (Tokenization) و تبدیل به بردارهای GloVe را روی آن انجام دهید.

۳. پارامترهای ورودی مدل minisom را توضیح دهید. پارامترهای شبکه خودسازمان‌ده خود را تنظیم کنید و شبکه را بر روی داده‌های مربوطه آموزش دهید. (مقادیر تمامی پارامترها را در گزارش خود اضافه کنید). سپس به‌ازای هر داده‌ی ورودی واحد، منطق (Best matching unit) با آن را به‌دست آورید و به‌عنوان نمایه‌ی داده‌ی مربوطه ذخیره کنید.

۴. برای ۵۰ رویداد که به‌صورت تصادفی از مجموعه داده انتخاب شده‌اند، نقشه خروجی را رسم کنید. نقشه‌ی به‌دست آمده را تفسیر کنید.

۵. فرآیند جست‌وجو را به‌صورت زیر برای سه رویداد دلخواه از سه سال گذشته انجام دهید. (می‌توانید از پرسش‌های موجود در فایل sample_questions.txt کمک بگیرید.) و خروجی مربوطه را در گزارش خود اضافه کنید.

- تبدیل پرسش به بردار
- پیدا کردن نمایه‌ی متناسب با پرسش مربوطه
- پیدا کردن تمامی داده‌های خارجی نمایه‌ی مورد نظر
- محاسبه معیار شباهت کسینوسی و خروجی دادن بردارهای داده‌های خارجی با شباهت بیشتر از آستانه. (چرا معیار کسینوسی در این مسئله انتخاب مناسبی است؟)